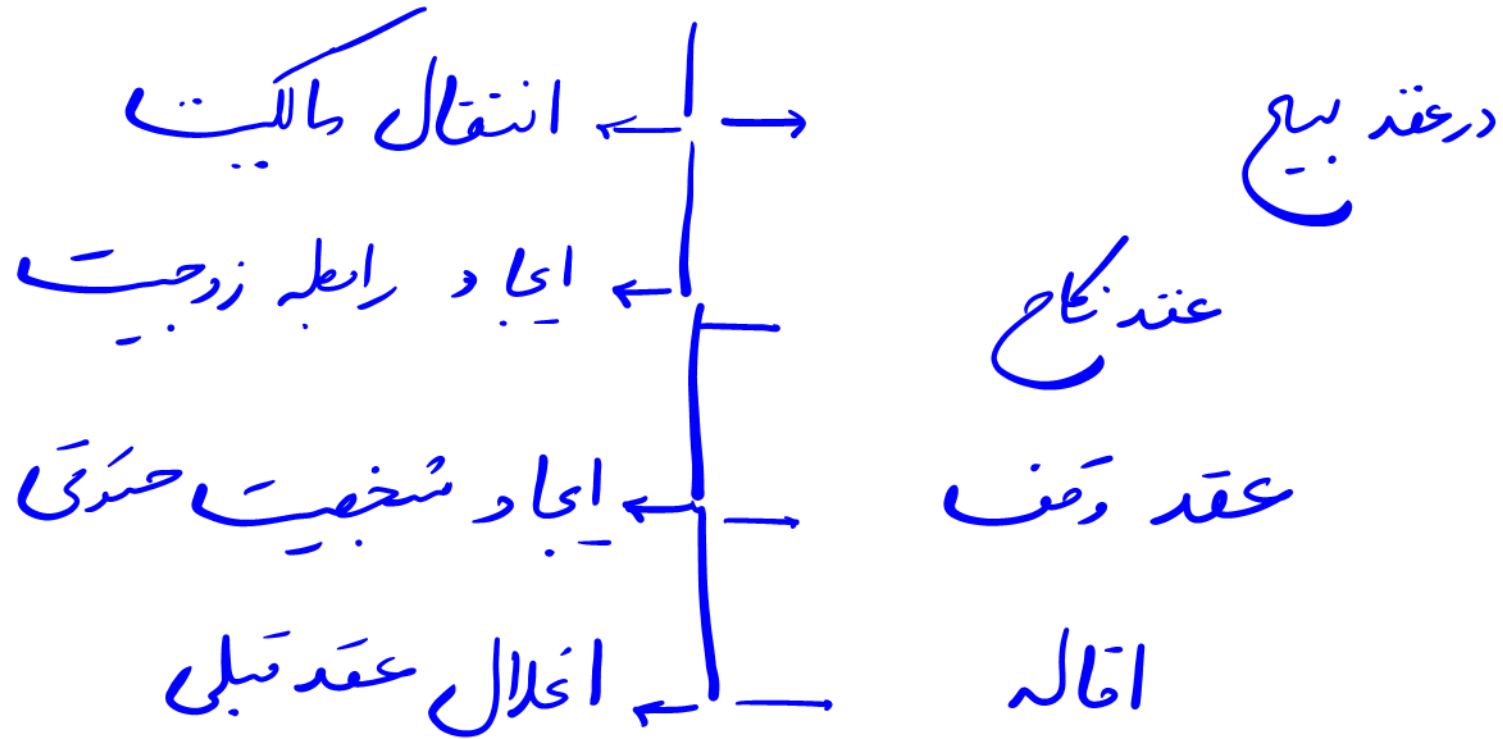


عقد ← توانق اراده‌ها برای ایجاد ارضه‌تی
فرداد



عقد وقف

واقف

موقوف علیہم

لے مال موقوفہ

بعض حقوق عقد وقف، خود مال موقوفہ
شعبہ حشری، بدایہ نند

مال موضوع معامله

عین معین ← این تا به این فرد کار و تمام موجودی
کتاب مال شخص

کلی در معین ← بخشی از مال شخص
آلید از این کوئی ... آید پی پی

کلی فی الذمه ← مقدار معین از مال جنس
لم تعدلک بهر بند، بیارد

عین معین ← به محض تحقق عقد، مبیع به مالیت خریدار درمی آید

{ لای درجین
لای فی الذمه
→ به محض تحقق عقد، انتقال مالیت صورت نمی گیرد.
→ نقد ایجاد می شود.

آ تعیین صدقات

مال در زمان تحویل ~~تعیین صدقات~~ به مالیت خریدار درمی آید.

اثر اصلی عقد

اے مقصد طریقہ از عقد (نوعی) (نوع آدمی)

من خانہ می خرم ملک موم
ہے سنا خانہ می خرم ملک موم
حسن خانہ می خرم ملک موم

مِلَّا در عقد بیع ہے انتقال مالیت

سُرْطِ خلاف اثر اصلی عقد ہے شرط خلاف مقتضای ذات عقد

هم شرط باطل هم عقد را باطل می کند

مبطل

اثر اصلی عقد بیع ← انتقال مالیت —
هم در عین معین
هم در کلی در عین
هم در کلی فی الذمه

اثر مستقیم عقد ← بلافاصله، به محض تحقق عقد

حاصل می شود.

در عین معین ← انتقال مالکیت

در کلی در عین { ایجاد تعهد برای تابع
در کلی فی الذمه که تعیین صدقات کنند

کلی در حین ← باید از توده تفین صدق کنند

کلی غی الذمه ← هر چه دلت بخواهد از هر دره ای

لے فتا عرنا معرب بناسد.

در للی
مذہبی در معنی
مذہبی فی الذمہ



ار مال تعیین صدقات نشدہ

مجبور بود

شرط صفت ندانست

یعنی درست تعیین صدقات نشدہ

حق نسخ مستعم ندانم → } ^{اثر} الزام می ننیم ← بے درست تعیین صدقات نن
الزام ممکن نبود ← حق نسخ

عین معین

مغرب بود

لے ارسال موضع محالہ ہے

شرطت نہایت

انجام نہارم

لے حق منفع

درعی

ارسی حمی کو ائیم بلیرم



اثر مالیت ← عقد تملیکی

اثر ایجاد عقد ← عقد عہدی

بای عہدی یا تملیکی بدون عقد ← بہ اثر اصلی نگاہی نیم

اِجَاب + قَبُول

← رضائی

اِجَاب + قَبُول + قَبْض

← عینی

عقد ←

رهن، وقف، بیع صرف، عقد جس (عقد موجد حق انتفاع)، هبہ

از صیغہ ارکان

تسلل دہندہ عقد

اِجَاب + قَبُول + کبیری تشریحات

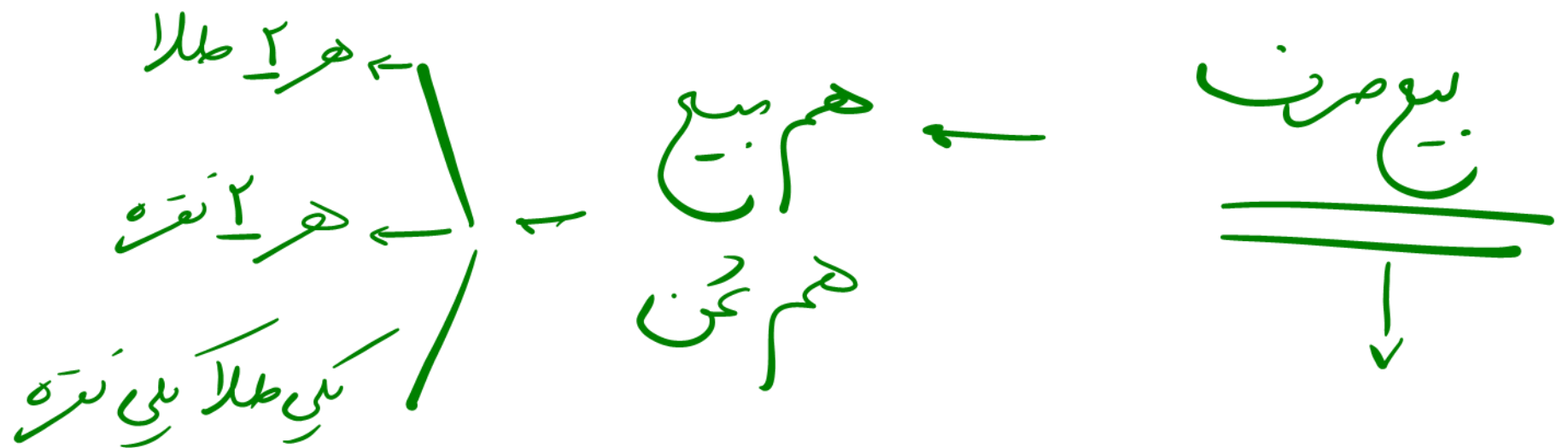
← تشریحات

انتقال ہم الشریکہ در شرکت با شریک محدود ہے صماً یا سدری

حالات درستی ہے صماً یا بذریعہ مزایہ، مافقہ۔۔ تشریحات

اصل براین است که عقد رضای هستند.

هرچا غیر رضای بود باید مانع نگردد.



کتاب عقد رضایی

کتاب جزئیات استخبره ارکان نیست

عقد عینی

↓
بِیْنِ نَبَا سَد

عقد حقوق بنی سَوَد

اجاب

قبول

فَبِیْنِ دَا بَا ضی

← یا اراده سالم طرِین

~~یو اعلیٰ~~

~~زوری~~

قبضہ ہے عرفی است

۱۔ مِلَّا در خود رو ہے سوچ کر لی دادن

۲۔ در سوال غر متقل (رطانه، زمین) ہے مِلَّا تنظیم سدرستی

قبضہ است۔

==

۳۔ در مُلّات ہے کر لی دادن
سوال متقل

در عقد رعی کتب لحظه قبض و اقباض کافی است.

لازم نیست در تصرف طرف مقابل باقی ماند

استمرار در قبض، لازم نیست.

در عقد عینی

اے اگر بعد از ایجاب و قبول و قبل از قبضہ

یکی از طرفین فوت کند یا محجور شود

↓
اے ایجاب و قبول زائلی شود. (اصولاً)

املاً عقد تشلیل نموده

۲ استثناء

۲ استثناء

① در عقد وقف، اگر بعد از ايجاب وقبول و قبل از قبض

طلبه اول موقوف عليهم، فوت کنند طوبه دوم قبض می کنند ~~واقف نه~~

② در عقد حبه، اگر بعد از ايجاب و قبل از قبض

مهریه محجور شود، قیم قبض می کنند

~~فوت~~

واقف
سن

صوفی علیہم

طلبہ اول - حسن

طلبہ دوم صوفی علیہم - اولاد حسن

مال موقوفہ - باغ

سن باغ را وقف یکنم پر حسن و اولاد حسن

موقوفی

↓
ادارہ یکنند
مال موقوفہ

(بخشنده)
واحد

منتخب

مال صوبه

آرشیف (محجور) سند

قیمت بیضی کند.

عقد عینی:

اِجَابَ قَبُولَ قَبْضَ

اولاً لازم نیست اِجَابَ قَبُولَ قَبْضَ

↓
رَتِيبَ

در ادای قَبْضَ بعد اِجَابَ قَبُولَ

با علم مالک

از قبل از نقل در تصرف مشروع، طرف مقابل باشد

بعد از اِجَابَ و قَبُولَ ، قَبْضَ جدید نیاز نیست.

عقد تشریفاتی

اجاب

قبول

یک سری تشریفات

فرض سوال دولتی ہے خزیدہ

فرض المال محکوم علیہ ہے مزایدہ

انتقال ہم السر در سرت با سرتی محدود ہے حما با سند رسمی

~~در دفتر کلام رت نیاز نیست~~

در کت های های بورسی



نقل و انتقال کلام ← باید در سامانه نقل و انتقال بورسی

عقد شریکاتی

بک سود

والا هیچ

در یک مای جدید

عقد شریکای ← لے صدر یک ← عما باید در سامانه صیار ثبت شود

والا اصلا یک نیست

سند جاری نیست

بابت نباید پرداخت کند

عمل
حشری
==

انقاع ← با یک اراده سافته‌ی سود

طلاق ← ابراء
اعراض

عقد ← با ۲ اراده و بیشتر

طلات ← ایقاع ← شریفائی

۲۔ شاہد درد عادل

در احوال حقیقی، اراده باید اظهار شود

(عقد، ایقاع)

↓ صرف رضایت درونی

کافی نیست.

اصولاً

هر طور دل بخواهد

لفظ

تثاب

اشاره

حتی اگر قادر به تعلیم باشد اشاره کافی است

اے محلی، داد و ستد محلی (معاطاة)

استثناء

① در عقد وقف ہے ایجاب صماً باید یا لفظاً نباشد.

② در عقد نکاح ہے ہم ایجاب ہم قبول باللفظ

لے اشارہ وقتی کافی است کہ لال (مادر بہ تکلم نباشد)

③ طلاق ہے صماً باللفظ

② در عدد شریکاتی به سند رسمی جزء شریکات باشند

حما^ی با التاب

اظهار اراده

در باب یک چیز دیگر

مال
مال

عقد معوض یک چیز

مال
کار

بیع، اجاره،

عقد غیر معوض (بخانی)

خالی

که یک طرف

ضرر است

در عقد مدبر
اگر یکی از عوضین یقین نشود

عقد باطل

صی آر در عقد، مگر یقین نشود
عقد صحیح است.

غیر عوضی

← دائم

← نكاح

موقت ← عوضی - اگر مگر یقین نشود، عقد باطل
است

۲ عقد دایم همی شود معرض باشد هم مجانی

صلح

وکالت
در مقام اجرا
- با اجرت (معرض)
/ مجانی (غیر معرض)

شماره تقسیم به عقد معوض و غیر معوض

حق حبس

ماده ۳۷۷ ✓

خیار غبن محض و عقود معوض

عقد ← توافق اراده ها برای ایجار اثر حقوقی
اصلی

شرط ← توافق اراده ها برای ایجار اثر حقوقی

جنبه فرعی داره
زنلوله ، آدریزان

خانہ
دب سٹیلارڈ

توافق اصلی

سُوطا ہے بہ سُوطا این نہ واسات عتوق مدنی ارانہ دہی

مائین (هسته‌ی لیم)

← غیر معوض

به شرط این که ۳ روز را سرکار بیانی

۱ شرط است، فرعی است. عقد را معوض نمی‌کنند